

فرهنگ جامع تماثنا خانه های ایران - جلد هفتم

ننهرستان های استان تهران

تماشاگاه دان عالم سراسر تماشائی بکن از وی تو بگذر عطار

مقدمه

«طئاتر» و معماری از هم سوا نیستند. «طئاترون» مکانی برای دیدن و تماشااست. غفلت از معماری طئاتر، غفلت از ذات طئاتر است. بی‌توجهی به مکان اجرا، طئاتر را از هویت و معنا تهی خواهد کرد. افزون بر این، معماری امروز ما و مکان‌هایی که در آن زندگی می‌کنیم جلوه و عرضه‌ای از شیوه زیست و اندیشه ماست. بی‌ریشه بودن بسیاری از مطالعات و پژوهشهای تئاتر معاصر ایران، به دلیل بی‌دقتی و سهل‌انگاری نسبت به واقعیت‌های موجود است. در نبود داده‌های دقیق و جزئی‌نگر، اساس تحلیل‌ها چه مبنایی خواهد داشت و در چنین وضعی چگونه می‌توان درباره آسیب‌شناسی یا ساماندهی تئاتر کشور سخن گفت؟ برای درک وضع موجود تئاتر، و یا هر چه غیرتئاتر، جز رفتن، دیدن، جستن و فیش‌برداری‌های منظم چه می‌توان کرد؟! غفلت از کار؛ «پراکسیس» مشاهده و حضور، کار تئاتر را به بیراهه می‌کشاند. اساس این پژوهش بر مطالعه میدانی، داده‌پردازی و طبقه‌بندی است که یکی از اهداف اصلی آن، کمک به شناخت شمایل راستین تئاتر معاصر ایران است.

فرهنگ جامع تماشاخانه‌های ایران تا کنون در ۲۲ جلد شامل ۲۲ استان کشور، صورت‌بندی شده و اینک، خوشبختانه یک به یک به زینت طبع آراسته می‌گردد. کار پژوهش این فرهنگ، بر اساس مشاهده و بازدید حضوری و ثبت و تحلیل آمار و اطلاعات تالارهای نمایش در این استانها صورت گرفته است. نمونه این نوع پژوهش و شبیه به این، در کشورهای پیشرفته و صاحب تئاتر، متداول و مرسوم است و در انجام این کار نیز، به آن تجربیات، نگاهی گسترده شده است. امیدواریم کار چند استان باقی مانده نیز بزودی انجام و حاضر گردد. همچنین چون وضعیت تماشاخانه‌ها از نظر امکانات و تجهیزات، در تغییر و تحول است، لازم است تا در فواصل منظمی چون شش ماهه یا یکساله، این داده‌ها به روزآوری گردد.

۱

منشأ معماری و ساخت تالارهای موسوم به "چند منظوره" با اینکه اروپایی است اما در معماری ایران شکل و هیكلی تقریباً متفاوت از آن منظور یافته است. سالن چند منظوره به نوعی از معماری اشاره دارد که ملهم از معماری تالارهای قاب‌عکسی و پروسیوم ایتالیایی است. این تالارها تنها برای اجرای تئاتر ساخته نمی‌شود و سخنرانی، مراسم تودیع معارفه، جنگ و مناسبت‌ها، جشن و همایش و اجتماعات هم در آن بطور گسترده برگزار می‌شود. در گذشته و در اصل مضیقۀ بودجه و امکانات باعث بوجود آمدن چنین شکلی در معماری شده است اما باید اذعان داشت امروزه توجه بیشتر و در دستور ساخت قرار دادن بلک‌باکس‌ها، به جای صحنه‌های قاب‌عکسی، علاوه بر صرفۀ اقتصادی کارایی موثرتری در پی خواهد داشت.

تالارهای بلک‌باکس، به دلیل ایجاد ارتباط بی‌تفاخر و امکان چیدمان‌های وسیع‌ترشان برای طراحی صحنه، بسیار مورد توجه و استقبال هنرمندان هستند. علاوه بر این بلک‌باکس‌ها می‌توانند کارکرد چند منظوره هم داشته باشند و پاسخگوی نیاز برنامه‌های غیرتئاتری هم باشند ضمن اینکه برای ساخت بلک‌باکس‌ها به مراتب زمان و هزینه کمتری صرف می‌شود و برای هنرمندان و دست‌اندرکاران فرهنگی هم کارایی بسیار بیشتری دارد. در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد تالارهای ساخته شده دولتی در کشور بصورت قاب‌عکسی هستند.

۲

تکیه دولت، نخستین تماشاخانه به شیوه جدید در ایران است که سال ۱۳۵۱ خورشیدی تأسیس شد. شش سال پس از آن، در سال ۱۳۵۷، تماشاخانه دارالفنون گشایش یافت. تئاترهایی که به سبک فرنگی اجرا می‌شد به هیچ وجه تماشاگر عام نداشت و تنها برای دربار و شاه اجرا می‌شد. مقارن همین زمان ارامنه تبریز، تهران و رشت هم در ساخت و بنای مکان‌های نمایشی پیشگام شدند اما همچنان تماشاگران آنها شامل عموم مردم نبود. هنگامه انقلاب مشروطه اجرای تئاتر در پارک و باغ و محوطه‌های باز بیش از پیش رونق گرفت. انقلابیون تئاتر را به میان عموم مردم کشاندند و از این پس تماشاخانه‌های خصوصی موج تازه‌ای از اجراهای تئاتر را پدید آوردند. تئاترهایی که تماشاگرانی از طیف‌های گسترده بدان راه یافته بود.

تأسیس "سالن تئاتر آرامیان" تبریز توسط موسیو آرامیان، "تئاتر ملی" در تهران توسط محقق‌الدوله، "تالار آوادیس" در رشت توسط آوادیس هوردانیان مورد توجه و استقبال خاص و عام قرار گرفت. غیر از موارد معدودی، تا دههٔ چهل صاحبان تماشاخانه‌ها عموماً دولت و حاکمیت نبود و روند ساخت و ساز و تأسیس تماشاخانه‌ها بطور خصوصی ادامه داشت. با اینحال گاهی حمایت‌های پراکنده دولتی از بعضی تماشاخانه‌ها صورت می‌گرفت. اما برای نخستین بار سال ۱۳۴۴ خورشیدی تماشاخانه سنگلج (۲۵ شه‌ریور) توسط دولت ساخته شد و حتی هنرمندان و عواملی هم به عنوان کارمند به استخدام آن درآمدند. از این زمان هم شکل جدیدی از تئاتر و هم رویه تازه‌ای از تماشاخانه‌سازی در ایران بوجود آمد. نسل جدیدی از نماینده‌نویسان، کارگردانان و بازیگران با به عرصه گذاردند و متناسب با آن معماری تازه‌ای هم در سر و شکل تئاتر قوام یافت. تماشاخانه سنگلج هنوز هم جزو معماریهای کم‌نظیر تئاتر ایران است که معمار آن مهندس یوگنی آفتاندیلیان بود. او بعدها دو تالار مهم دیگر هم ساخت: تالار وحدت (رودکی) و تالار فخرالدین اسعد گرگانی (تئاتر گرگان). روند ساخت و ساز تئاترهای دولتی با تأسیس اداره تئاتر، تئاتر شهر و کارگاه نمایش ادامه یافت اما از سویی دیگر تئاترهای خصوصی بیشتر در انحصار برنامه‌دسته‌جات و گروه‌های موسوم به لاله‌زاری و کبابراهی درآمده بود. با وقوع انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی، تئاتر و تماشاخانه‌ها کمتر مجالی برای استقبال عموم یافت. این وضعیت تا چند سال بعد و بازسازی ویرانی‌ها هم ادامه یافت. در این مدت و طی دهه ۶۰ و ۷۰ برگزاری جشنواره تئاتر فجر سهم بسزائی در رونق و حیات تئاتر داشته است. چند سالی است که روند ساخت و ساز تماشاخانه‌های خصوصی و دولتی سرعتی بیش از گذشته یافته است.

بیش از ۹۰ درصد یافته‌های این پژوهش، میدانی است و باقی آن با مراجعه به اسناد و کتابخانه‌ها و مراجع معتبر تهیه شده است. یافته‌ها شامل معرفی کلیهٔ آمفی‌تئاترها و سالن‌های موجود در شهرهای مختلف ایران است که بصورت فعال و یا غیرفعالند که در حال حاضر در دسترس عموم قرار دارند و یا دسترسی به آن برای عموم ممکن است و به ویژه قابلیت اجرای تئاتر دارند. این معرفی به انضمام نقشه تماشخانه‌ها، اطلاعات رقمی هر سالن و تصاویر از نماهای عمومی و جزئی آن است. این اماکن معمولا زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری، آموزش و پرورش، بخش خصوصی و یا نهادهای دانشگاهی هستند. اما غیر از این، نهادهایی دیگر نیز بعضا واجد سالتنهایی برای اجرای تئاتر هستند؛ نهادهایی نظیر هلال احمر، سپاه، بسیج، استانداری و فرمانداری. عموم اماکنی که در شهرهای مختلف مشهور به اجرای تئاتر هستند و گروه‌های تئاتری در آن اجرا داشته‌اند زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار دارند و از این نظر این پژوهش دربرگیرندهٔ اطلاعات دقیق تمامی این اماکن است. پس از این شهرداری‌ها و آموزش و پرورش و اماکن دانشگاهی به ترتیب در اولویت موضوع قرار دارند. به دلیل آنکه سالتنهایی زیرمجموعهٔ آموزش و پرورش و اماکن دانشگاهی عموماً برای استفادهٔ دانش‌آموزان و دانشجویان در نظر گرفته شده‌اند دسترسی دیگر نهادها و عموم مردم به آنها کمتر امکانپذیر است. با این وجود این نهادها نیز چنانچه آمفی‌تئاترهایشان واجد امکانات موثری بوده مانع پژوهش و مطالعهٔ ما نگردیده و از قلم نیفتاده‌اند. به سخن دیگر، گرچه پژوهش حاضر دربرگیرندهٔ اطلاعات جامع تمامی تالارهای فعال در زمینهٔ نمایش کشور است با اینحال در بسیاری موارد از تالارهای غیرفعالی که امکان تهیهٔ اطلاعات جامع و دقیق از آنها وجود داشته نیز غفلت نشده و به گستردگی پژوهش افزوده است.

گزارش‌ها دربارهٔ معماری، ابزار و وسایل کاملاً با دقت ثبت شده و مربوط به وضعیتی است که در همان روز و ساعت بازدید مشاهده شده است. مثلاً مواردی نظیر تعداد پرژکتورهای شبکهٔ نورخان و یا منابع نوری سالم همواره در معرض تغییر است. گاهی ممکن است دیمر بنا به دلایلی موقتاً در دسترس نبوده باشد. به همهٔ این موارد اشاره شده و هدف این بوده تا تصویری شفاف از همان وضعیت مشاهده شده به نظر مخاطب برسد. اول هر بخش مقدمه‌ای مبسوط دربارهٔ حفظ و نگهداری و راهنمای تماشخانه‌ها و اصطلاحات معمول آمده است. پس از آن مقدمه‌ای کوتاه دربارهٔ موقعیت جغرافیایی استان و وضعیت تئاتر و تماشخانه‌های آن، فهرست تالارهای هر استان، چه فعال و چه غیرفعال، آمده که این فهرست بر اساس حروف الفبا به ترتیب نام شهرستانها منظم شده است. در هر فهرست ردیفی که با رنگی، غیر از رنگ زمینه برجسته شده نشان دهندهٔ آن است که در صفحات بعد بطور مشروح و مبسوط بدانها پرداخته شده و این یعنی تمامی تالارهای فعال و همچنین عموم تالارهایی که پیش از این فعال بوده‌اند و یا قابلیت فعالیت دارند اما تا کنون مورد استفاده قرار نگرفته‌اند و در این زمینه پتانسیل‌های بالقوه محسوب می‌شوند. اطلاعات جامع هر تماشخانه شامل چهار بخش است: داده‌های توصیفی، رقمی، تحلیلی، کلی و جزئی هر تالار. در عکاسی از فضاهای داخلی و خارجی برای آنکه تصاویر به واقعیت، دید طبیعی چشم انسان، نزدیک‌تر باشد و ماهیت مستند گونهٔ آن حفظ شود از لنز واید پرهیز شد و برای عموم تصاویر از لنز نرمال استفاده گردید. تصاویر شامل نماهای کلی و جزئی و زوایای مختلف تالار تماشا و صحنه، سقف صحنه، اتاق فرمان، سقف سالن تماشا، سالن انتظار و نمای بیرون تالار، بالکن، پشت صحنه و امکانات فنی است. از تصاویر جزئی هم عموماً این اطلاعات قابل مشاهده و برداشت خواهد بود: پوشش کف و دیوارها، اتاق گرم و فضاهای اضافی پشت صحنه، موقعیت اتاق فرمان، موقعیت دستگاه ویدئو پروژکشن و پرده نمایش، موتور مکانیکی پرده، چیدمان صندلی و میلمان تالار، سیستم خنک‌کننده و گرمایش، تجهیزات آتش‌نشانی، پلکان سن، راهروهای سالن تماشا، دیمر نور و میکسر صدا و امکانات خاصی نظیر درب ویژهٔ دکور و راهروی پشت صحنه؛ نقشهٔ ترسیمی تالار و پلان شماتیک هم بخشی دیگر از اطلاعات تصویری است. نقشهٔ ترسیمی، بیشتر به مراد استفاده کنندگان اهل هنر تهیه شده تا مثلاً به طور ویژه معماران و مهندسان عمران. پلان شماتیک هم برای معرفی کلیت فضای صحنه و تالار و ورود و خروجها آورده شده. پلانهایی که ترسیم شده، عموماً پلانهایی است که با مراجعهٔ حضوری گروه پژوهش در داخل تالار برداشت شده و این با نقشهٔ معماری ساختمان و یا تالار ممکن است تفاوت داشته باشد. نقشه معماری در اینجا منظور نقشه‌ای است که ساختمان یا تالار بر اساس آن ساخته شده است. این نقشه‌ها ممکن است توسط پیمانکاران، بنا بر ملاحظاتی، هنگام ساخت بنا، بطور دقیق، اجرا نشده باشد. بنابراین اندازه‌ها و ابعادی که پلانهای این کتاب بر اساس آن ترسیم شده مربوط به پس از ساخت و احداث سالن است و بر اساس وضعیت موجود و شکل فعلی و اجراشدهٔ تالارهاست. در مواردی نظیر تالار فخرالدین اسعد گرگانی به واسطهٔ ارزش تاریخی و دقت کم‌نظیر معماری آن، همان نقشه و پلان اصلی معماری آورده شده است.

تا کنون اطلاعاتی با جامعیت و به صورت طبقه‌بندی شده از تماشخانه‌های کشور وجود نداشته است. تنها کتاب در این زمینه همان «تماشخانه‌های تهران از ۱۲۴۷ تا ۱۳۸۹ خورشیدی» بوده است که توسط انتشارات افراز، ۸ سال پیش منتشر شد. در به ثمر رسیدن این اثر، تلاش گروه مهندسان نقشه و دقت چشم‌فرسای مسعود نوروزی در گرافیک و صفحه‌آرایی سهمی به‌سزای داشته است. در همهٔ مراحل انجام کار، نگاه دقیق و شکیبایی آقای جلال تجنکی همراه اثر و گروه پژوهش بوده و بسیار مؤثر واقع شده است. لطف بی‌مضایقهٔ مجید داخ در تهیهٔ فهرست اولیهٔ تالارها بسیار کمک‌رسان بود. انجام این پژوهش اگر با حساسیت و درایت آقای مهدی شفیعی، مدیر کل سابق هنرهای نمایشی نبود، شاید هیچگاه به ثمر نمی‌رسید. آقای ارمغان بهداروند؛ مدیرعامل سابق انجمن هنرهای نمایشی ایران و آقای اتابک نادری؛ مسئول امور استانهای اداره کل هنرهای نمایشی سنگ تمام گذاشتند. در به نتیجه رسیدن این اثر، همراهی صمیمانهٔ آقای شهرام کرمی، مدیر کل هنرهای نمایشی ایران و حمید نیلی مدیرعامل فعلی انجمن هنرهای نمایشی ایران بسیار راهگشا بوده و هست. و با سپاس فراوان از مهدی حاجیان، لیلی غفاری، علی ایزدی، لیلا پاشاپور، فاطمه عزتی‌نژاد، جواد مستخدمی، لیلا مینایی، فاطمه عسگر بیوکی، روح‌اله ایرجی و قدردانی از آقای نصراله قادری، مدیر انتشارات نمایش و آقای علیرضا لطفعلی و سایر همکاران محترم این انتشارات که در چاپ و نشر این اثر، بی‌دریغ کوشیدند.